



## بهارتان خجسته باد



با شادباش فرا رسیدن نوروز و بهار خجسته به خوانندگان و همراهان عزیز به اطلاع می‌رسانیم که نشریه هفتگی جنگ کارگری بمناسبت تعطیلات نوروزی جمعه آینده منتشر نخواهد شد. تعطیلات و ایام خوشی را برای همه ی عزیزان آرزو می‌کنیم

امسال نیز، دریغا از پارسال!

صادق کار



عید نوروز زاد روز بهار فصل شادی و خرمی و عزیزترین جشن ما ایرانیان و مردمان چند سرزمین کهن هم فرهنگ دیگر ایران است. سر زمین های که بهار دلکش و فرحبخش برایشان اگر عزیزتر نباشد کمتر از برای ما ایرانیان عزیز نیست. بهمین جهت است که در مناطق مختلف سرزمین کردستان از ایران و ترکیه تا سوریه مردم با بر برافروختن آتش با رقص و سرور زودتر از ایران به استقبال نوروز می‌روند تا به آن خوش آمد بگویند. در آذربایجان، بخش وسیعی از افغانستان، و هند تا تاجکستان نیز با آمدن نوروز شور و حال و جشن و سرور همانندی آن سرزمینها را فرا می‌گیرد.

در ایران اما حال و هوای نوروزی متاسفانه در چند دهه اخیر هر سال که می‌گذرد در اثر فرار گرفتن مردم در فشار و تگناهای مختلف کم رنگتر می‌شود. فشار مذهبی البته اثر خودش را هر سال که گذشته به همت



نفس مبارک بهار و مقاومت فرهنگی و سیاسی مردم برای زنده نگه داشتن اعیاد نیکانی مترقی خود، اثر خود را از دست داده است و جای آنرا تنگناهای اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی گرفته است. امسال در شرایطی مردم به استقبال جشن های نوروزی می روند که نه تنها سیطره فقر بیش از تمام سالهای پیش سایه شوم خود را بر سر مردم گسترانده، بلکه تغییرات شدید آب و هوایی به همراه مدیریت ناکارآمد حکومت لذت طبیعی آمدن بهار را کمتر کرده است. از دریاچه های سیر آب سالهای گذشته تعداد زیادی باقی نمانده، رودخانه ها بسیاری از خروش افتاده و سرمستی بهار را از کشاورزان ستانده. مزارع بسیاری خشکیده، روستاهای بسیاری از جمعیت تهی، قنات ها و چشمه های شان خشکیده، سدها و ذخایر آب تهی یا نیمه تهی شده اند و نفس باد صبا کمتر مشک فشان است.

افزون بر آن ها زندانها پر از مبارزان و آزادیخواهان و پیکار گران راه عدالت است، هر روز که می گذرد سرهای تازه ای بر سر دار می شوند و عده بیشتری را روانه زندان می کنند. سفره ها تهی تر از طعام می شوند و امنیت و آسایش در سرزمینی که بیشترین سهم از درآمد کشور را صرف دستگاه سرکوب خود می کند، رخت بر بسته است. زنان و دخترانی که نمی خواهند زیر بار حجاب تحمیلی مرتجعین بی فرهنگ بروند مورد حملات همه روزه اوباشان مسلح و غیر مسلح قرار می گیرند. اعتصاب و اعتراض نان خواهان به پدیده ای همه روزه تبدیل شده است. بله دغدغه ها و نگرانی های مردم امسال بسی بیشتر از گذشته شده و برآستی وضعیتی را برای مردم بوجود آورده اند که هیچکس از سرنوشت فردای خود خبر ندارد.

تنها یک اقلیت قلیل به شدت ثروتمند و کاخ نشین که بیش از نیمی از ثروت و ۱۰۰ درصد قدرت را به انحصار خود درآورده اند و در این راه حتی به طبیعت این سرزمین رحم نکرده و نمی کنند و دغدغه ای جزء افزودن ثروت از هر طریق ممکن ندارند شاید وزیدن نفس مشک فشان بهار در مناطق خوش آب و هوای باقی مانده که برای خود در آنجا کاخ و ویلا ساخته اند، بتوانند مانند گذشته استنشاق کنند، ولی بقیه مردم نه.

برآستی باید گفت سال به سال دریغ از پارسال، با این وصف نمی توان از آمدن نوروز خوشحال نشد و از گفتن شادباش نوروز امید بخش دریغ کرد. به امید بازگشت بهارانی به از امسال و همه ی پارسالهای که رفتند و افسوس شان را برای مردم به جا گذاشتند. به امید رهایی از چنگال دیو سیاه استبداد، برقراری آزادی، رهایی زندانیان سیاسی، آمدن بهاران پر امید و شاد و برقراری عدالت در بهاران نزدیک و تریک نوروز به همه باورمندان و دوستداران نوروز مبارزان راه آزادی و عدالت و آمدن نوروزهایی که در آن کسی غم نان نداشته باشد.

**از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن**

**بپیوندید!**

**ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!**

**برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران**

**و مزد و حقوق بگیران!**



برابری جنسیتی در محیط کار بخش سیزدهم و پایانی

فیضا علی



## 7. تحلیل انتقادی و بحث

مطالعه موردی در باره وضعیت اشتغال زنان پاکستانی نشاندهنده کاربرد چارچوب دیدگاه چندلایه ای است. این دیدگاه رابطه محور، شکاف موجود در رویکرد فرصت برابر را پر می کند. تحقیقات پیشین نشان داده اند که تصمیمگیری و شیوه های اجرایی را نمی توان صرفاً با ارزیابی سیاست های سازمانی و استفاده از قوانین درک کرد. چارچوب دیدگاه چندلایه ای به ما این امکان را می دهد که دریابیم چگونه عواملی مانند جنسیت، فرهنگ، مذهب، حقوق و اقتصاد بر فرصت های شغلی زنان تأثیر می گذارند. این عوامل، سطح کلان-ملی را تشکیل می دهند و نشان می دهند که چگونه نیروهای جامعه شناختی و سازمانی در تأثیر بر برابری در محیط کار با یکدیگر تعامل دارند.

با معرفی لایه های میان سازمانی و خرد-فردی، که به ترتیب به بررسی آیین های سازمانی و هویت و عاملیت فردی می پردازند، می توان درکی جامع از عوامل گوناگون مؤثر بر فرصت های برابر و نابرابری جنسیتی به دست آورد.

مطالعه ای در باره مدل استرالیا که توسط سید و اوزبیلگین انجام شده است، نیز این ایده را تأیید می کند که به کارگیری چارچوب چندلایه ای می تواند نتایج تجاری بهتر و دستاوردهای برابری بیشتری را در نیروی کار متنوع به همراه داشته باشد. بررسی این سه لایه نشان داده است که قوانین استرالیا تلاش کمی برای پایبند کردن سازمانها به مدیریت تنوع فرهنگی دارند. مدل فعلی استرالیا در مدیریت تنوع، به اندازه کافی از کارکنان اقلیت های قومی، به ویژه مهاجرانی که پسزمینه زبانی غیرانگلیسی دارند، حمایت نمی کند.

با این حال، با وجود مزایای بالقوه چارچوب چندلایه ای، محدودیت هایی نیز در این مدل وجود دارند. از آنجا که این مدل به دنبال بهبود همزمان نتایج تجاری و اجتماعی از طریق فرصت برابر و شمول اجتماعی است، دستیابی به چنین نتایجی زمان بیشتری می برد و هزینه بیشتری برای دولت و سازمانها خواهد داشت. برخی محققان استدلال می کنند که جنبه های اجتماعی این رویکرد کمکی به کارایی کسب و کارها نمی کنند، زیرا نهادهای خاصی به طور ویژه برای رسیدگی به این مسائل اجتماعی طراحی شده اند. آنان همچنین معتقدند، همان گونه که آموزه لیبرال تأکید می کند، سازمانها نباید فراتر از مسئولیت های اقتصادی و قانونی خود عمل کنند.



## ۸. چکیده و توصیه‌ها

این نوشته مروری بود بر نظریه‌های کلیدی درباره تفکیک جنسیتی در اشتغال و پیامدهای آن برای برابری جنسیتی. نظریه مارکسیستی، مسئله محرومیت زنان را به‌عنوان یک پیامد جانبی از تقسیم طبقاتی سرمایه‌داری تلقی می‌کند و برابری جنسیتی را نتیجه تضاد طبقاتی می‌داند. فمینیست‌های رادیکال، محرومیت زنان را ناشی از ماهیت پدرسالارانه روابط اجتماعی می‌دانند که به مردان نسبت به زنان در اشتغال اولویت می‌دهد. نظریه‌پردازان سیستم دوگانه تلاش می‌کنند با ترکیب گزاره‌های نظری مارکسیستی و فمینیسم رادیکال، نقش دوگانه سیستم‌های سرمایه‌داری و پدرسالاری را در تولید و تداوم تفکیک جنسیتی در نیروی کار توضیح دهند.

این دیدگاه دوگانه توسط پسا‌ساختارگرایان مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا آنان معتقدند که نظریه‌های ساختاری، تجارب متنوع زنان و مردان در محیط کار را نادیده می‌گیرند. نظریه‌پردازان پسا‌ساختارگرا، گفتمان‌های مسلط و نظام‌های بازنمایی را به‌عنوان پایه تفکیک جنسیتی اعلام می‌کنند. باین‌حال، به دلیل تمرکز عمده این رویکرد بر تنوع تجربیات، تحلیل پسا‌ساختارگرا تبعیض‌های واقعی را، که بخش بزرگی از نیروی کار با آنها روبه‌رو است، نادیده می‌گیرد. اقتصاددانان نئوکلاسیک معتقدند که سازمانها تصمیمات استخدامی خود را بر اساس ارزش بازار سرمایه انسانی هر فرد اتخاذ می‌کنند.

این نوشته همچنین ایدئولوژی‌های تغییر مرتبط با مسائل برابری جنسیتی در زمینه اشتغال را مورد بحث قرار داده است. به‌طور خاص، مفاهیم ایدئولوژی‌های تغییر رادیکال و لیبرال ارائه شده توسط جوسون و میسون و مفهوم رویکرد تحول‌آفرین که کوکبرن پیشنهاد داده است، بررسی شده‌اند. این سه ایدئولوژی چارچوبی را تشکیل می‌دهند که سازمانها در آن فعالیت می‌کنند و به مسائل جنسیتی می‌پردازند.

علاوه بر این، این نوشته به رویکرد چندلایه‌ای برای دستیابی به برابری جنسیتی در محیط کار پرداخته است. برای آن که زنان شاغل بتوانند به تمام ظرفیت‌های خود دست یابند، سیاست‌گذاران دولتی و سازمانی باید مسائل مرتبط با فرصت‌های برابر را در سطوح مختلف درون و بیرون محیط کار شناسایی و برطرف کنند. هنگامی که سیاست‌هایی با بهره‌گیری از رویکرد چندلایه‌ای برای مقابله با موانع ساختاری و اجتماعی تدوین شوند، زنان بیشتری ترغیب خواهند شد که وارد اشتغال رسمی شوند.

دولت و سازمانها باید برای دستیابی به نتایج بهتر در زمینه فرصت‌های برابر در محیط کار نقش خود را ایفا کنند و همچنین ناهمگونی درونی زنان را که ناشی از اشکال متعدد هویت آنهاست در نظر بگیرند. از طریق افزایش آگاهی، تحول فرهنگی، و نظارت نهادی در سطوح مختلف است که می‌توان به رویای والای فرصت‌های برابر در سازمانها دست یافت.

**کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!**

**اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!**

**از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!**



دفاع از حداقل دستمزد بالای خط فقر برای کارگران، ضرورت و وظیفه‌ای تشکیلاتی است

جعفر ابراهیمی



کارگران و نیروی کار در بخش‌های مختلف، اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند. آن‌ها چرخ زندگی و جامعه را به حرکت درمی‌آورند و تولید و ارائه خدمات بر دوش آنان است. اما اقلیتی سرمایه‌دار، که اغلب وابسته به حکومت هستند، با استفاده از قوانین ناعادلانه و سازوکارهای قانونی و فراقانونی، از پرداخت حقوق عادلانه به کارگران، زحمتکشان و مزدبگیران خودداری می‌کنند و هر روز شکل جدیدی از استثمار، بردگی نوین و محرومیت را بر آنان تحمیل می‌کنند.

یکی از شیوه‌های سرکوب سیستماتیک کارگران، تعیین حداقل دستمزد و افزایش حقوق سالانه است که به اشکال مختلف اعمال می‌شود. برای درک بهتر این مکانیسم، نگاهی به افزایش حقوق کارمندان و کارگران مشمول افزایش حقوق صندوق کشوری و کارگران مشمول قانون کار خواهیم داشت.

## افزایش حقوق کارگران مشمول صندوق کشوری/دستورالعمل دولتی

کارگران مشمول صندوق کشوری، که تحت عنوان کارمند شناخته می‌شوند، شامل تمام حقوق‌بگیران دولتی مانند پرستاران، معلمان، محیط‌بانان و... هستند که کارفرمای آنان دولت است. یکی از جنبه‌های آشکار و قانونی سرکوب دستمزد در این بخش، صدور دستورالعمل‌های افزایش حقوق سالانه برای نیروی کار بخش دولتی مانند معلمان، پرستاران و کارکنان خدماتی و بهداشتی است.

هنگامی که وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی مانند وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و سازمان محیط‌زیست، حداکثر میزان افزایش حقوق سال بعد را اعلام می‌کنند، در واقع دایره‌ی معیشت و سطح زندگی همه نیروهای کار را، از معلمان و کارگران گرفته تا پرستاران و کارکنان خدماتی، از پیش تعیین می‌کنند. تجربه‌ی سال‌های گذشته نشان داده است که افزایش حقوق هرگز باعث ارتقای سطح معیشتی کارگران و معلمان به بالاتر از خط فقر نمی‌شود.

نرخ تورم همواره سریع‌تر از نرخ افزایش دستمزد رشد می‌کند و مهم‌تر از آن، حقوق پایه‌ای کارمندان و کارگران از ابتدا پایین‌تر از شاخص خط فقر تعیین شده است. حتی اگر در مواردی افزایش حقوق بیشتر از نرخ تورم باشد (که تاکنون چنین نبوده است)، این افزایش باز هم معیشت نیروی کار را از زیر خط فقر خارج نخواهد کرد.

این مسئله نه تنها معلمان، بلکه تمام نیروی کار وابسته به دولت را شامل می‌شود؛ چراکه حقوق آن‌ها مطابق با سیاست‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و بودجه سالانه تعیین می‌شود. به عبارتی، تمام



کارگران و مزدبگیران بخش دولتی، از جمله معلمان و پرستاران، در این الگوی تعیین دستمزد، مشمول همین نابرابری‌ها هستند.

## افزایش حقوق کارگران مشمول قانون کار در بخش دولتی و خصوصی

تعیین میزان حقوق و افزایش دستمزد نیروی کار در بخش‌های دولتی و خصوصی، وابسته به مکانیسمی به نام «سه‌جانبه‌گرایی» است.

در این ساختار:

✓ وزارت کار، که نماینده دولت است، نقش اصلی را دارد

✓ نماینده کارفرمایان (در واقع، سرمایه‌داران بخش خصوصی) در این ساختار حضور دارد

✓ نماینده کارگران نیز ظاهراً در این تصمیم‌گیری نقش دارد، اما در عمل، این نماینده از میان تشکلهای وابسته به جناح‌های حاکم انتخاب می‌شود

نتیجه این ساختار آن است که به‌جای نمایندگی واقعی کارگران، سه نماینده از سوی طبقه حاکم درباره حداقل دستمزد تصمیم می‌گیرند. در واقع، کارگران و نیروی کار در این فرآیند هیچ نماینده واقعی‌ای ندارند

به همین دلیل، در سال‌های گذشته، حتی با وجود اعلام نرخ تورم و شاخص خط فقر، نمایندگان به‌اصطلاح کارگران، همواره حداقل دستمزد را در سطحی بسیار پایین‌تر از خط فقر امضا کرده‌اند

به نظر می‌رسد که در غیاب تشکلهای مستقل، امسال نیز این روند ادامه خواهد داشت. تجربه نشان داده است که دولت به نمایندگی حاکمیت، به‌جای اینکه بازیگری مستقل باشد، همواره در سمت سرمایه‌داران ایستاده‌است

## لزوم واکنش تشکلهای صنفی فرهنگیان

تشکلهای صنفی معلمان و فرهنگیان نباید در برابر این تعرض آشکار به دستمزدها سکوت کنند. برخی ممکن است بپرسند:

☑ چه ارتباطی میان حداقل دستمزد در بخش خصوصی و حقوق معلمان در بخش دولتی وجود دارد؟

☑ چرا معلمان باید نگران تعیین حداقل دستمزد برای کارگران باشند، درحالی‌که سازوکار تعیین حقوق آنها متفاوت است؟

پاسخ در اعداد و ارقام نهفته است. اگر حداقل حقوق یک معلم تازه‌استخدام در سال‌های گذشته را با حداقل دستمزد مصوب وزارت کار یک کارگر بخش خصوصی مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که تفاوت چندانی میان آنها وجود ندارد



از سوی دیگر، با اجرای سیاست‌های نئولیبرالی در دو دهه اخیر، تعداد زیادی از نیروی کار آموزشی در بخش خصوصی یا در قالب نیروهای خرید خدماتی در بخش دولتی، مشمول قانون کار شده‌اند. اما افسوس طبقه متوسط بودن، بسیاری از معلمان را از درک این نابرابری عمیق بازداشته است. بسیاری از آن‌ها حتی قانون کار ناعادلانه و ظالمانه‌ای را که به وضوح علیه آن‌ها عمل می‌کند، نمی‌بینند. تشکلهای صنفی فرهنگیان باید از معلمان مشمول قانون کار دفاع کنند. این نه تنها یک ضرورت، بلکه یک وظیفه تشکیلاتی است. سکوت در برابر سه‌جانبه‌گرایی، مکانیسم پیامدهای آن و خروجی‌هایش، اشتباهی استراتژیک خواهد بود. که حقوق بخش اعظمی از نیروی کار آموزشی و طبقه کارگر را پایمال خواهد کرد. بر سه‌جانبه‌گرایی نقدهای جدی وارد است اما آن چیز که اینجا رخ می‌دهد ربطی به سه‌جانبه‌گرایی ندارد و مساله اصلی باید افشای ماهیت ناعادلانه این مکانیسم در ساختار کنونی است. باید نشان داد که این ساختار، توافقی ظالمانه میان سه ضلع قدرت است؛ توافقی که نتیجه آن تعیین حداقل دستمزدی بسیار پایین‌تر از خط فقر، در جهت تأمین سود حداکثری سرمایه‌داران است. همان‌طور که مشخص است، همواره همخوانی و هماهنگی‌ای میان دولت، بخش خصوصی و سرمایه‌داران در سرکوب حقوق و دستمزدهای پایین‌تر از خط فقر، وجود داشته است. پیش از این نوشته بودم امکان مطالبه‌گری در چارچوب قوانین موجود منتفی شده است. تنها راه مقابله با این سیاست‌های سرکوبگرانه، پافشاری بر تعیین حداقل دستمزدی بالاتر از خط فقر، مطابق با نظرات اقتصاددانان مستقل است. این، مطالبه‌ای است که باید هم در سطح نظری و هم در عرصه عملی، برای تحقق آن تلاش کرد. هر نوع تلاش برای بزک کردن حداقل دستمزد مانند کارزار درخواست بیشتر از پیشنهاد دولت یا درخواست عدم امضا به معنای به رسمیت شناختن این سازوکار سرکوبگرانه است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

**علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تأمین اجتماعی، برای برخورداری از قانون کار  
جامع متحدانه مبارزه کنیم!**

**ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!**

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار داشته  
باشند!**



بدون متشکل شدن دفاع از حقوق و معیشت ممکن نیست

صادق



در شرایطی که سرعت افزایش ساعت به ساعت قیمت خوراکی ها و هزینه های زندگی ادامه دارد و آمار دقیقی از نرخ واقعی تورم نیز داده نمی شود، وزیر کار دولت پزشکیان روز گذشته بار دیگر از افزایش دستمزد سال "نزدیک به نرخ تورم" خبر داد و افزود نرخ تورم بهمن ماه ۳۲ درصد است. ماجرای افزایش دستمزد در ایران حکم ماجرای دزدی را دارد که بارها به مکانی دستبرد زده اما وقتی که دستگیر می شود، می گوید حرف دزدی های قبلی را زن، چون آنها را خورده ام. ده ها سال است که همین بازی وزیر کار توسط سلف وی هنگام تعیین دستمزد تکرار شده و نتیجه آن دستمزدهایی است که به زحمت هزینه بخور و نمیر یک هفته خانواده های کارگری را می دهد

از گفته وزیر کار که از افزایش دستمزد نزدیک به تورم سخن گفت می شود نتیجه گرفت که افزایش دستمزد باید رقمی بین ۳۰ تا ۳۲ درصد باشد. اسم این را هر چیز می شود گذاشت غیر از افزایش. این گفته میدری که با اندکی بالا و پایین به نظر میرسد در روزهای پایانی سال رسماً اعلام شود، در حالی مطرح می شود که هزینه های زندگی خانوارها به ۶۰ میلیون رسیده است و همچنان در حال بیشتر شدن است.

در واقع دستمزد امسال نیز که حتی مغایر با ماده ۴۱ قانون کار است در صورتی که دقیق هم اجرا می شد با توجه به جاماندگی همه ساله دستمزدها سطح دستمزدها را همچنان چند برابر زیر خط فقر نگه می دارد.

بند یک و دو ماده ۴۱ قانون بعنوان معیار افزایش دستمزد تعیین شده است. گذشته از اینکه نرخ تورم بیشتر از ۳۲ درصد ادعایی وزیر کار است، ایشان دارد از افزایش "نزدیک" به تورم صحبت می کند و نه خود نرخ تورم. اما بند دوم که بر محاسبه سبد هزینه خانوار تاکید دارد بکلی نقض شده است. زیرا بر مبنای محاسبه سبد حداقل هزینه سبد که توسط شورای عالی کار حکومتی- کارفرمایی محاسبه شده هزینه سبد ۲۳ میلیون و پانصد هزار تومان برآورد شده که در واقع کمتر از نصف هزینه واقعی است. با این وجود نرخ سبد نصف شده هم در تعیین دستمزد منظور نشده است

یعنی در واقع امسال نیز به مانند ده ها سال گذشته حتی معیارهای قانون کار مصوب حکومت، که مجری آن جناب وزیر کار هستند متقلبانه نقض شده است. نتیجه این نقض های مکرر این بوده که بقول وابستگان حکومتی در خانه کارگر دستمزدها ۱۹۰ درصد از تورم عقبتر است یا بقول دیگری اگر ۱۷ سال پیش می شد با دستمزد پایه یک سکه کامل خرید اکنون می شود با دستمزد ماهانه ی ربع یک سکه طلا خرید. به



زبانی دیگر در مجموع طی این مدت در حکومت پیروان "عدل علی" دستمزد کارگران و ارزش آن بجای افزایش ۸ برابر سقوط نموده است. پیداست با این شتابی که افزایش تورم و قیمت مواد غذایی، دارو، هزینه مسکن و کلا هزینه های زندگی در پیش گرفته است، این به اصطلاح افزایش ظاهری به سرعت اثرات اندک خود را از دست خواهد داد و فشار معیشتی موجود که سفره های کارگران و مزدبگیران را تهی تر از پیش کرده است بازهم بیشتر خواهد شد.

گروه دیگری از همین جماعت با راه اندازی "کارزاری" قلابی خواستار افزایش ۷۰ درصد دستمزد، برای جمع کردن اعتراضات خیابانی کارگران و جهت دادن آنان به سوی طومار نویسی شدند. اما همچنان که پیشبینی شده بود هیچ یک از این تلاشهای فریبکارانه و تبلیغاتی نه توانست کارگران را از راه بدر برد و نه کوچکترین اثر مثبتی در افزایش دستمزد داشت.

در این میان ۱۵ تشکل مستقل که در اعتراضات خیابانی و کارخانه های شرکت مستقیم داشتند نظرات خود در مورد افزایش دستمزد را که ریشه در هزینه های واقعی زندگی و خواست کارگران دارد در دو بیانیه، ۶۰ میلیون تومان اعلام کردند. رقمی که نزدیک به سه برابر سبد خانوار شورای عالی کار است. با این وصف مبارزه برای افزایش واقعی دستمزد صرف نظر از آنکه نتیجه آن چه باشد، بر پایه این بیانیه ها تداوم پیدا خواهد کرد.

در شرایطی که با وجود اعتراضات گسترده و بی سابقه کارگران و عموم مزد و حقوق بگیران، خواست افزایش دستمزد به بهانه های واهی از سوی حکومت سرمایه داران شنیده نمی شود، کارگران برای بهبود معیشت و رفاه خود چاره دیگری جز گسترش اعتراضات سازمان یافته و هماهنگ، سراسری کردن اعتراضات و اعتصاب عمومی ندارند این اقدامات مستلزم تشکیل سازمانهای نیرومند کارگری است. جنبش کارگری ایران به رغم همه ی سرکوبها توسط حکومت و سرمایه داران ظرفیت لازم برای متحد و متشکل کردن خود در اتحادیه ها و شوراهای کارگری مستقل و پس راندن تعرض بی وقفه سرمایه داران حاکم به حقوق و معیشت را دارد. تجربه طبقه کارگر در رژیم اسلامی و سایر دولت های سرمایه داری نشان داده است که طبقه کارگر بدون اتحاد و همبستگی و متشکل شدن در سازمانهای طبقاتی خود قادر به دفاع از حقوق اولیه خود هم نیست. کاهش هر ساله ارزش دستمزدها، موقتی سازی ۹۵ درصد از کارگران و کارمندان، حذف کارگران شاغل در کارگاه های زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار، حذف قوانین رفاهی و اجتماعی، بی توجهی به جان و سلامتی کارگران در محیط های کار، از بین بردن امنیت شغلی، زندانی کردن و اخراج کارگران حق طلب و حتی وجود نحس استبداد و فساد همگی از پیامدهای سازمان نایافتگی طبقه کارگر است.

## چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

**همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!**

**از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!**



کارکنان دولت نیز مجبور به خیابانی کردن اعتراض خود می شوند

امید



روز چهارشنبه ۲۲ اسفند پرسنل وزارت جهاد کشاورزی پس از ماه ها نامه نگاری و مراجعات مکرر بی نتیجه به نهادهای مختلف دولتی و حکومتی برای جلب موافقت آنها برای افزایش حقوق مجبور به اعتراض خیابانی شدند و در تهران و مراکز چند استان تجمع و خواهان افزایش حقوق خود شدند

تصمیم درست به پیوستن به اعتراضات خیابانی کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و کادر درمانی بعد از آن باید گرفته شده باشد که مراجعه یکی از کارکنان این وزارتخانه به سازمان برنامه و بودجه که ما آن را در چند شماره پیش "جنگ کارگری" به تفصیل گزارش کردیم بی نتیجه ماند

شخصی که از طرف پرسنل این وزارتخانه مسئول پیگیری در خواست افزایش حقوق کارکنان بود و ما نمی دانیم که چگونه و از سوی چه کسانی این وظیفه به ایشان واگذار شده بود، با دلیل و منطق از افزایش ۲۰ درصد به حقوق کارکنان دولت که شامل حال کارکنان وزارت کشاورزی هم می شد با استناد به وضعیت تورم و گرانی انتقاد داشت و خواهان حداقل ۵۰ درصد افزایش حقوق شده بود

این درخواست البته مربوط به قبل از ترمز بریدن قیمتها و تورم، سقوط ارزش ریال و حذف یارانه دارو بود. اما با همان ۵۰ درصد هم موافقت نکرده بودند

افزایش اسمی ۲۰ درصد به حقوق کارکنان دولت برای سال آینده در شرایطی که به گفته خودشان تورم بالای ۳۰ درصد بود در واقع به منزله کاهش بیش از ۱۰ درصد حقوق فعلی کارکنان دولت در سال جاری است. همین مقدار نا چیز نیز در ماه های بعد از اعلام آن و قبل از اینکه وارد سال تازه شویم در اثر رشد قیمت ها بلعیده شد. بهمین دلیل از آنجا که پای معیشت در میان است و تامین حداقل های زندگی با حقوق کنونی و چشم انداز رشد تورم و قیمت ها در سال آینده برای کارکنان دولت میسر نیست آنها چاره ای به غیر از توسل به اعتراض جمعی خیابانی و اعتصاب ندارند

بهمین جهت است که امسال در آستانه عید نوروز کشور با موج بیسابقه ای از اعتراضات کارگری مواجه است که از ماه های پایانی سال ۵۷ هرگز نظیرش وجود نداشته است. این اعتراضات اگر جواب منطقی به آنها داده نشود، بر بستر شرایط بحرانی کنونی گسترده خواهند شد و حالت گلوله برفی غلتنانی را پیدا خواهند کرد که از نوک قله ای پر برف سرازیر و به چنان بهمنی تبدیل خواهد شد که هر کس و هر چه را سر راهش قرار بگیرد دفن خواهد کرد. در این روزها از عده ای می شنویم که می گویند، گویا فقیر سازی و بینوا



کردن توده‌ها را مطیع و به بقای رژیم کمک می‌کند، و عده‌ای دیگر نیز با اشاره به ادامه حیات رژیم‌هایی که سالها در گیر ابر تورم بوده‌اند، نتیجه می‌گیرند که فقر باعث انقلاب و قیام نمی‌شود. هر دوی این استدلالها از آنجا که با مقایسه‌های مکانیکی انجام می‌گیرند، فاقد اعتبار لازم هستند و تفاوت شرایط بین کشورها و موقعیت‌ها و مناسبات طبقاتی حاکم بر کشورهای مختلف را در نظر نمی‌گیرند. فعلا تنها حافظ این رژیم و مناسبات استثماراری حاکم بر کشور دستگاه سرکوب است که خود این دستگاه نیز تا وقتی تهدیدات جنگی خارجی وجود داشته باشد شاید بتواند انسجام خود را حفظ کند



آخرین وضعیت ریحانه انصاری نژاد: پذیرش درخواست اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور

امروز دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۳، حسین تاج، وکیل دادگستری، اعلام کرد که دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی ریحانه انصاری نژاد را پذیرفته است. به دنبال این تصمیم، پرونده وی برای رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض دادگاه انقلاب ارجاع خواهد شد.

ریحانه انصاری نژاد، فعال کارگری، که در ۱۵ آبان ۱۴۰۲ برای تحمل حبس به زندان اوین مراجعه کرده بود، در اردیبهشت ۱۴۰۱ توسط وزارت اطلاعات بازداشت و پس از ۸۷ روز بازجویی و بازداشت موقت، با وثیقه ۱.۵ میلیارد تومانی آزاد شده بود. وی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ۴ سال زندان، ۲ سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی و ممنوع‌الخروجی محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر نیز بدون تغییر تأیید شده بود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، ضمن محکوم کردن زندانی کردن ریحانه انصاری نژاد و سایر فعالان کارگری، معلمان و فعالان مدنی، خواهان لغو کامل این حکم ناعادلانه و آزادی بی‌قید و شرط تمامی زندانیان صنفی و سیاسی و مدنی است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

اسفند ۱۴۰۳ ۲۷



تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی شوش یکشنبه مقابل دفتر نماینده شهرستان در مجلس  
نابود باد بندگی زنده باد زندگی یکشنبه  
یکشنبه/ ۲۶ اسفند/  
۱۴۰۳

**پیام همکار**

**18 مرداد = دلار: 61,350**

**18 اسفند = دلار 91,800**

تعارف مرداد و شهریور ما همین الان هم نزدیک به 50% ارزشش رو از دست داده.

شهریور ۱۴۰۳ حقوق ۱۹۷.۷ دلار  
اسفند ۱۴۰۳، حقوق ۷۷.۹ دلار  
دستمزد اعلام شده ۱۴۰۴ برابر ۱۱۰.۷ دلار

افزایش حقوق که نداشتیم، سفره ما خالی تر شده

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران





گرامی داشت یاد جان باختگان دهه ۶۰ پشت درهای بسته خاوران

امروز ۲۴ اسفند ۱۴۰۳ در آخرین جمعه سال، خانواده های زندانیان سیاسی اعدام شده در دهه ۶۰ مراسم بزرگداشت یاد عزیزان خود را پشت درهای بسته خاوران برگزار کردند. به گزارش کانال تلگرام منشور آزادی، رفاه، برابری؛ اکنون یک سال است که ماموران امنیتی درهای گلزار خاوران را به روی خانواده ها بسته اند و به آنها اجازه نمی دهند با حضور بر مزار عزیزان خود یاد آنها را گرامی بدارند



گچساران

تجمع اعتراضی کارکنان شرکتی ارکان ثالث مناطق نفت خیز جنوب امروز یکشنبه ۱۹ اسفند ماه با پایان سال هیچیک از وعده های داده شده به این پرسنل محقق نشده است

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>